

# مهدویت در اندیشه استاد مطهری

سیما محمدپور دهکردی

مقدمه

همه گروه‌های اسلامی بر این قول متفقند که در آخرالزمان، مردی ظهور می‌کند که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند و دولت حق را برپا می‌سازد. دولتی، که تمام جهان را فرا می‌گیرد. این دیدگاه به استناد آیات کریمه قرآن از جمله: ۱۰۵ سوره انبیاء - ۵ قصص - ۳۲ و ۳۳ توبه و ... می‌باشد. اهل سنت یا شیعیان اتفاق نظر دارند بر این که مهدی از خلفای دوازده گانه‌ای است که رسول اکرم (ص) به آنها در احادیث گوناگون بشارت داده است.<sup>۱</sup>

از آن جا که حقایق وحی و وجود رهبران الهی در بین بشر، منطبق با نیازهای طبیعی و فطری انسان می‌باشند، چنین اعتقادی نیز ریشه در نهاد انسان دارد و پاسخی به نیاز آرمانی بشر است.

استاد شهید مطهری در چند اثر ارزشمند خود به بررسی مسأله حضرت مهدی (عج) و انتظار پرداخته‌اند. یکی از تعبیر ارزشمند ایشان، در وصف جایگاه حضرت حجت در زمین، تعبیر «صاحب» است. در کتاب گفتارهای معنوی، ضمن بیان حدیثی از رسول اکرم (ص) پیرامون امدادهای الهی نسبت به بشر به واسطه حضرت مهدی (عج)، چنین نتیجه می‌گیرند: «خدا هرگز دنیا را بی صاحب نگذاشته است و بی صاحب هم نخواهد گذاشت.»<sup>۲</sup>

آنچه در این مقاله مورد توجه بوده است ارائه یک تصویر اجمالی از مسأله مهدویت، از نگاه آن استاد گرانمایه است



## ■ در اندیشه آرمان گرایانه

اسلام مطهری، انتظار در

معنای اولی بزرگ ترین

محرک اجتماعی است که

انسان را برای حاکمیت

ارزش ها و محو ضد

ارزشها تشویق می کند.

که طی فصلهایی به آن می پردازیم.  
مطهری و فلسفه انتظار:

«انتظار» از مفاهیم دوپهلوی و لغزنده ای همانند: تقدیر، توکل، صبر و... است<sup>۵</sup> که در طول تاریخ اندیشه اسلامی، برداشت های متفاوتی از آن شده است. هربار کسی به تناسب فهم و درک خود، دستی بر سر این واژه کشیده و به این درک خشنود گشته است، حق را، همان پنداشته است و بس. به تعبیر زیبای قرآن: «کل حزب بما لیدهم فرحون»<sup>۶</sup> هر چند این اندیشه ها سیر صعودی و تکاملی دارد و گاهی بشر به کوه نظری و خطای گذشتگان پی می برد، ولی محو نهایی این بدعت ها، در عصر ظهور حجت، یعنی عصر کمال نهایی اندیشه ها حاصل می شود. به همین منظور یکی از وظایف خطیر امام زمان علیه السلام، محو همین بدعت ها و بیان حقیقت دین برای بشریت است.

استاد مطهری در این باره می فرماید: «معلوم است که بدعت در دین خاتم هم امکان پذیر است، چنان که ما هم شیعه هستیم و اعتقاد داریم به وجود مقدس حضرت حجة بن الحسن (ع)، می گوئیم ایشان که می آیند «یاتی بسدین جدید». تفسیرش این است که آن قدر تغییرات و اضافات در اسلام پیدا شده است که وقتی او می آید و حقیقت دین جدش را می گوید، به نظر مردم می رسد که این دین غیر از دینی است که داشته اند و حال این که اسلام حقیقی همانی است که آن حضرت می آورد.»<sup>۷</sup>

درباره مفهوم انتظار هم، متناسب با برداشت های متفاوت، این اندیشه منشأ رشد و پویایی یا رکود و عقب ماندگی شده است. استاد مطهری خصوصیات دو گونه انتظار «مثبت» و «منفی» را این گونه بیان می کنند: «انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تعهدآور است، نیروآفرین و تحرک بخش است، به گونه ای که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود؛ و انتظاری که گناه است، ویرانگر است، اسارت بخش است، فلج کننده است و نوعی «اباحگری» باید محسوب گردد. این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است و این دو نوع برداشت به نوبه خود، از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می شود.»<sup>۸</sup>

در نگاه انتظار ویرانگر و منفی - که متأسفانه در جامعه ما هم طرفدارانی دارد - هر اصلاحی در جامعه محکوم است چرا که باید ظلم و تباهی رواج داشته باشد. حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد. باطل یکه تاز میدان گردد، تا انفجاری رخ دهد و انتظار به سر آید: «علیهذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود. برعکس، هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیضی و هر حق کشی، هر پلیدی به حکم این که مقدمه اصلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند رواست، زیرا «الغایات تبرّر المبادئ» هدف ها، وسیله های نامشروع را مشروع می کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. این جا است که گناه هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی»<sup>۱۱</sup>

در اندیشه آرمان گرایانه استاد مطهری، انتظار در معنای اولش بزرگ ترین محرک اجتماعی است که انسان را برای حاکمیت ارزش ها و محو ضد ارزش ها تشویق می کند. برای همین، انتظار بدین معنا را با فضیلت ترین عبادات (افضل الاعمال انتظار الفرج)<sup>۱۱</sup> دانسته اند.

شهید مطهری با استناد به آیات ۵ سوره قصص، ۱۰۵ سوره انبیا و ... چنین نتیجه گیری می کند: «از این آیات استفاده می شود که ظهور مهدی موعود (ع) حلقه ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهمی بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که به آنها در روایات استناد شده است، نشان می دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است. مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است: و عدالله الذین ...»<sup>۱۲</sup>

بنابراین هر مبارزه حق گرایانه ای، حلقه ای از حلقه های مبارزه جهانی و هر پیروزی، جلوه ای از پیروزی آن انقلاب بزرگ است.

باش تا صبح دولتش بدمد

کاین هنوز از نتایج سحر است

فراموشمان نشود که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران،

محصول نظریه انتظار سازنده و عنایات آن امام منتظر بود.

### منتظر واقعی کیست؟

در مکتب انتظار، بزرگ ترین درس های تربیتی را می توان آموخت و آموزش داد. بسیار تأثرآور است در مکتبی که این همه ارزش ها در درون نهفته دارد شایسته تربیت نشویم و شایسته تربیت نکنیم. پس منتظر واقعی کیست؟

۱- آرمان گرا و حق گرای است که مقصد نهایی خود را در زندگی مشخص کرده است.

۲- انتظارش سازنده، تحرک بخش و تعهدآور است.

۳- انتظارش بهترین محرک او برای تلاش در جهت حاکمیت ارزش ها در اجتماع است. پس این انتظار افضل اعمال است.

۴- به آینده بشر خوش بین<sup>۱۳</sup> و به پیروزی مصلحان امیدوار است. (مطابق آیات کریمه قرآن)

۵- امیدش به آینده تاریخ، تحرک آفرین و مسئولیت آور است. (آینده ای روشن، با حاکمیت اراده الهی نه بشری)

۶- همواره مشتاقی درک روزگار بلوغ اندیشه بشر است و در جهت تعالی اندیشه خود و دیگران در این راه می کوشد.

۷- هر اصلاحی را یک نقطه امید و روشنی به تحقق ظهور منجی مصلح می داند.

۸- هر مبارزه حق طلبانه را، حلقه ای از حلقه های مبارزه ای می داند که به پیروزی نهایی حکومت واحد جهانی اهل حق منتهی می شود.

۹- با اعتصام به دو جبل الهی (قرآن و عترت) در عمل مقدمات ظهور را فراهم می کند.

۱۰- همواره در پرتو ولایت تکوینی آن انسان کامل، در تعالی روحی و معنوی خود می کوشد.

۱۱- هر صبحگاه با آن امام منتظر تجدید عهد و بیعت می کند (دعای عهد) و ظهور آن طلعت رشید و غرّه حمید را از خداوند طلب می کند.

۱۲- در مناجاتش همواره برای سلامتی و فرج آن نرگس بوستان احمدی دعا می کند.

خوشا به حال آنها که این گونه می اندیشند و عمل

می کنند (طوبی لهم فطوبی لهم)

### مهدویت و آینده تاریخ:

در اندیشه تربیت شدگان مکتب قرآن، تاریخ، سیر صعودی و تکاملی دارد. هر اصلاحی که امروز به دست بشر صورت گیرد، زمینه ای خواهد بود برای یک اصلاح نهایی و حکومت جهانی. هر چند این اندیشه با بعضی اندیشه های ماتریالیستی و غیر ماتریالیستی به ظاهر شباهت دارد، ولی در اصول اساسی کاملاً با آن دیدگاه ها متفاوت است. اولاً: در نظریه مهدویت اسلامی سخن از آینده تاریخ، بیان حاکمیت اراده الهی است، نه صرفاً اراده بشر و نه صرفاً طبیعت مادی تاریخ (به استناد آیات کریمه قرآن، و نرید ان نممن...). ثانیاً: در این دیدگاه، این انسان های صالح هستند که همواره زمینه و شرایط تحقق آن جامعه واحد جهانی را فراهم می کنند. ثالثاً: ارزش هر مبارزه ای به حق بودن آن است نه نبودن آن. ۱۲ در این اندیشه، هر مبارزه ای تنها برای احقاق حق فردی و اجتماعی مشروعیت و قداست پیدا می کند.

استاد مطهری در بیان نقش حضرت حجت در تکامل تاریخ و بشریت می فرماید: «یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می شود به عالی ترین و کامل ترین زندگی ها که از جمله آثاری که در آن هست آشتی انسان و طبیعت است و آن، این است که زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار می دهد، آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می دهد و همه اینها خود تکامل تاریخ است.» ۱۵

ایشان در جای دیگر مشخصات حکومت حضرت مهدی (ع) را این گونه بیان می نمایند: «ما مسلمان ها، بالاخص شیعیان، می گوئیم دوره سعادت بشر آن عصری است که دوره عدل کامل است؛ یعنی، عصر ظهور حضرت حجت (عج). آن دوره ای که اولین مشخصه اش این است که دوره حکومت عقل است؛ یعنی، دوره ای که در آن، علم اسیر و برده نیست.

امیرالمؤمنین (ع) تعبیری درباره عصر دارد که می فرماید: «وَيُعْبَقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ» در آن عصر، مردم جامی که صبحگاهان و شامگاهان می نوشند، جام حکمت و معرفت است، جز جام حکمت و معرفت جام دیگری نمی نوشند. ۱۶ استاد به بررسی نگاه بدبینانه و اضطراب آور مادی

مسلک ها، در تحلیل آینده تاریخ می پردازند و مهم ترین علت این بدبینی را نداشتن اهداف والای الهی و معنوی می دانند. در مکتبی که رهایی، بیهودگی و عبث گرایی، آرمان نهایی آن باشد، نباید چیزی جز این بدبینی شوم را نسبت به آینده بشریت انتظار داشت. ویل دورانت به خوبی به این معضل اعتراف نموده است: «ما از نظر ماشینی توانگر شده ایم و از نظر مقاصد فقیر.» ۱۷

استاد مطهری نگاه حکیمانه پرورش یافتگان مکتب الهی را این گونه توصیف می کنند: «خیر، عمر جهان به پایان نرسیده است. هنوز اول کار است. دولت مقرون به عدل و عقل و حکمت و خیر و سعادت و سلامت و امنیت و رفاه و آسایش و وحدت عمومی و جهانی، در انتظار بشریت است. دولتی که در آن دولت، حکومت با صالحان است و انتخاب اصلح به معنی واقعی در آن صورت خواهد گرفت.» ۱۸

اعتقاد به مهدویت در اسلام نه تنها خوشبینی نسبت به پایان کار جهان و آینده بشریت را تضمین می کند بلکه نویدی است بر بلوغ فکر و اندیشه ۱۹ بشریت. «وقتی قرآن می گوید: ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (انبیاء آیه ۱۰۵) صحبت از زمین است، نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد. اول، امیدواری به آینده است که دنیا در آینده نابود نمی شود... دوم، آن دوره، دوره عقل و عدالت است. شما می بینید یک فرد سه دوره کلی دارد... چگونه می شود که چنین دوره ای نیاید؟! مگر می شود که خداوند این عالم را خلق کرده باشد و بشر را به عنوان اشرف مخلوقات آفریده باشد، بعد بشر به دوره بلوغ خودش نرسیده، یک مرتبه تمام بشر را زیرورو کند؟! پس مهدویت یک فلسفه بسیار بزرگ است. ببینید مضامینی که ما در اسلام داریم چقدر عالی است!» ۲۰

آیا برای فطرت های بیدار، درک چنین دولت کریمه ای نوید و آرزوی بزرگ نیست؟! «او ترزقنا بها کرامة الدنیا و الاخرة.»

### زیرنویس

۱- یکی از اختلاف ها در این است که بیشتر اهل سنت معتقدند امام مهدی (عج) در آخر الزمان متولد می شود به خلاف شیعه که معتقدند هم اکنون زنده است و خداوند به خاطر حکمتی او را از دید مردم پنهان نموده

# ■ اعتقاد به مهدویت در اسلام نه تنها خوشبینی نسبت به پایان عصر زمین و آینده بشریت را تضمین می‌کند بلکه نویدی است بر بلوغ فکر و اندیشه بشریت.

است. محی الدین عربی با این که اهل سنت است در کتاب فتوحات موافق شیعه است.

۲- کتب روایی اهل سنت و شیعه در این باره روایات متعدد دارد.  
۳- یکی از معانی بلندی که در این لفظ نهفته است مفهوم ولایت تکوینی و قدرت تصرف امام در امور است که در متن مقاله در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۴- گفتارهای معنوی. استاد مطهری. انتشارات صدرا، ص ۲۰۳.  
۵- این مفاهیم هم معنای مثبت و سازنده دارند و هم معنای منفی و بازدارنده. متأسفانه از عوامل انحطاط مسلمین برداشتهای منفی از همین مفاهیم بوده است.

۶- سوره روم آیه ۳۲.  
۷- اسلام و مقتضیات زمان. استاد مطهری. جلد اول، ص ۳۷۷. انتشارات صدرا.

۸- قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. استاد مطهری. ص ۷ و ۸. انتشارات صدرا.

۹- از نگاه مطهری، تعبیر ظهور به انفجار نادرست است چرا که مسأله قابلیت پیدا کردن جامعه برای پذیرش است و شرایط را برای آن کمال نهایی فراهم آوردن، همانند رسیده شدن میوه در شرایط مطلوب است.

۱۰- قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. ص ۶۲ به بعد.  
۱۱- بحارالانوار. ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۱۲- قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. ص ۶۴.  
۱۳- نقطه مقابل اندیشه‌های ماتریالیستی که یا نقشی برای انسان در ساختن آینده تاریخ قابل نیستند یا به آینده بشر بدبینند.

۱۴- در اندیشه دیالکتیکی مارکسیسم، برای انتقال تاریخ از دوره ای به دوره دیگر، مبارزه نو با کهنه شرط است. کهنه از آن جهت که کهنه است باید از بین برود (نه از آن جهت که باطل است) تا مقدمات ورود در دوره جدید حاصل شود.

۱۵- فلسفه تاریخ. استاد مطهری. ص ۲۰۲. انتشارات صدرا.  
۱۶- اسلام و مقتضیات زمان. ج ۱، ص ۵۰. انتشارات صدرا.

۱۷- لذات فلسفه. ویل دورانت. این سخن را استاد مطهری در کتاب انسان و سرنوشت، ص ۱۳۴ نقل کرده است.

۱۸- انسان و سرنوشت. استاد مطهری. ص ۱۳۷. دفتر انتشارات اسلامی قم.

۱۹- همانطور که در آیات کریمه قرآن هم تأکید بسیاری بر تعقل و تفکر شده است.

۲۰- سیری در سیره ائمه اطهار. استاد مطهری. ص ۲۹۹.